

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیا شد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

نهم فبروری ۲۰۱۱

شهر اسن - المان

ما دگه رفتیم

گلشن شدی پُر زاغ و زغن ، ما دگه رفتیم
چون بلبل گم کرده چمن ، ما دگه رفتیم
از نظم و هم از نثر و هم از طنز و هم از نقد
از تُند گپ و زشت سخن ، ما دگه رفتیم
از اینهمه افشاگری دشمن میهن
لب بسته ، دلی پر ز شجن ، ما دگه رفتیم
برنامه تلویزیون و ، صفحه فیس بُک
از گلخن پُر گشته لجن ، ما دگه رفتیم
از گپ اگه گپ خیزد و ، یا اینکه نخیزد
چون گنگ و کر و کور و وثن ، ما دگه رفتیم
تریاقی و ، چرسی و ، ز بنگی و ، شرابی
آهسته و خاموش و لشن ، ما دگه رفتیم
از کرگس و ، کلمرغ و هم از باند خسکها
با شکوه و اندوه و غرن ، ما دگه رفتیم
بر نوکر اعراب چتل خور و چتلکار
ناگفته ز هر سِر و علن ، ما دگه رفتیم
دلالک و ، بقالک دینی و سیاسی !

بیخ همه را سخت بکن ، ما دگه رفتیم
 (سیمینِ عمرجان) و (خبیث الله سادات)
 از چنگِ شما گرگ دهن ، ما دگه رفتیم
 (سجیّه مستور) ! چرا در پیّ آزار
 ای تارکِ عادات و سُنن ، ما دگه رفتیم
 تعریف ترا ناحق و بیهوده نمودیم
 شرمیده ز توصیف قُرَن ، ما دگه رفتیم
 زیرا که نباشد به کسی تاب شنیدن
 رقاصه و ، ای کاسبِ تن ، ما دگه رفتیم
 یارانِ دروغین و ، عزیزانِ سخن چین
 از دستِ شما اهلِ فتن ، ما دگه رفتیم
 افسرده و ناراحت و آزرده و غمگین
 صد پاره گریبان و یخن ، ما دگه رفتیم
 از ضدیّتِ تاجرِ دینی و سیاسی
 از چادر و لنگی و چین ، ما دگه رفتیم
 خاموش و دهن بسته ، فقط گوشه عزلت
 سر بسته و لُج کرده بدن ، ما دگه رفتیم
 نه نقدی نمائیم و نه شعری بسرائیم
 از یار و رفیقانِ کهن ، ما دگه رفتیم
 نازم به "تمنا" که عجب حرفِ بجا گفت
"چون زنده پوشیده کفن ، ما دگه رفتیم"
 ای صفحه فیس بُک ! خدا ، یار و مددگار
 از نغمه و از رقص و اتن ، ما دگه رفتیم
 میدانِ قمار است و ، فلنگی شده چالان
 هارن کده و مست و غبن ، ما دگه رفتیم
 نوکیسه اگر قرضِ سخن داد ، مگیرش
 از طعنه ، فی الفور زدن ، ما دگه رفتیم
 پاداشِ دفاع ، دور کن از سر ، ز رفیقان
 با فخر ازین چرت و چَرَن ، ما دگه رفتیم
 هرگز نه تمنای دفاع داشتم از کس
 از پُشتی و از یاد کردن ، ما دگه رفتیم

حاسد گله دارد که دفاع کردم و اما
 پاداش نیامد چو به من ، ما دگه رفتیم
 این رشته یارِ یست ، نه رِسمان و طنابست
 گر هست ، ازین دار و رَسَن ، ما دگه رفتیم
 دیگر به خدا نیست مرا حوصله و صبر
 از رد و بَدَل کردِ سخن ، ما دگه رفتیم
 در جامه چوپان شده بس خیلِ شغالان
 رَم کرده چو آهوی ختن ، ما دگه رفتیم
 « نعمت » پس ازین ترک قلم کرد و سرودن
 خاموش و چُپ و بسته دهن ، ما دگه رفتیم

معانی بعضی از لغات :

غبن- سستی هوش ، فراموشی ، توته پارچه بیکاره
 فتن - جمع فتنه
 وثن - بت
 شَجَن - غم و اندوه ، شاخه
 لجن - گل و لای سیاه رنگ
 مَحَن - جمع محنت
 غَرَن - صدای گریه
 حَزَن - اندوه ، دلتنگی
 آسن - جامه باز گونه ، خربزه نارس
 حَسَن - خوب و نیکو و جمیل
 رسن - رِسمان
 وَسَن - آرایش ، آلودگی ، نیاز حاجت
 بَشَن - قد و قامت ، بدن ، سینه
 کَشَن - پر ، انبوه ، بسیار
 لَشَن - نرم ، لیز ، هموار ، ساده و بی نقش و نگار
 قرن - شتری را که با شتری دیگر ببندند
 وَشَن - باران ، برف ، آلودگی و آرایش
 حَصَن - قلعه و پناهگاه
 جَگَن - پخال
 شَمَن - بت پرست
 سُنَن - جمع سنت